

تبلیغ؛ ضرورت، دامنه و شیوه ها

درس هایی از شیوه های تبلیغی در آثار حجت الاسلام و المسلمین قرائتی
به کوشش حجت الاسلام و المسلمین عباس زیوری
دفتر دوم

اشاره

در کشور ما حجت الاسلام و المسلمین قرائتی به عنوان یک روحانی موفق در تبلیغ شناخته شده اند که سالهای بسیاری است که در رادیو و تلویزیون برنامه های متعددی اجرا کرده و توجه مخاطبان بسیاری را به خود جلب نموده اند. آثار بالایی پیوندگان برنامه های ایشان در تلویزیون دلیلی بر موفقیت ایشان در رسالت تبلیغیشان است. بهره گیری از تجربیات ارزنده جناب آقای قرائتی در تبلیغ و شیوه های عملی و موثر ایشان میتواند برای مبلغان جوان بسیار مفید باشد از جناب ایشان مجموعه های متعددی در امر تبلیغ منتشر شده است که «قرآن و تبلیغ» در بیان شیوه های تبلیغ یکی از این آثار است. از این رو نشریه شبستان اندیشه که در امر تبلیغ به اطلاع رسانی و آموزش میپردازد در چند شماره به ارائه شیوه های مطرح شده توسط حجت الاسلام و المسلمین قرائتی در مجموعه آثار متعدد خود نموده و محصول نهایی را پس از ویرایش

تقدیم خوانندگان محترم مینماید.

ضرورت تبلیغ

اکنون که کفار برای نابودی اسلام متحد شده و قصد دارند تا با استفاده از ابزارهای تبلیغی، مردم مسلمان را از راه مستقیم منحرف سازند و آنان را از اعتقاداتشان جدا کنند، چه کسی ضرورت تبلیغ و لزوم استفاده از روش های صحیح تبلیغی را برای دفاع در مقابل این هجوم فرهنگی انکار می کند؟ با استفاده از سلاح برنده تبلیغ است که نقشه های شوم جهان خواران نقش بر آب و توطئه های شیطانی آنان خنثی می شود.

اگر مبلغان فداکار و با اخلاص، در طول تاریخ، بار سنگین پیام رسانی و آگاه نمودن مردم مسلمان را بر دوش نمی کشیدند در این زمان، پرچم «لا اله الا الله و محمد رسول الله» در مناطق مختلف جهان برافراشته نبود. بنابراین تردیدی در ضرورت تبلیغ نیست و باید با توکل به خدا و با اراده ای استوار، مخلصانه در این راه بزرگ قدم گذاریم که خدای متعال در قرآن کریم می فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يُأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ (۱)؛ از میان شما مسلمانان باید گروهی باشند که مردم را به خیر دعوت کنند و به نیکی دستور دهند و از بدی باز دارند».

بی توجهی به مسأله تبلیغ، قهر الهی را بدنبال خواهد داشت. «لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ * كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ (۲)؛ کافران بنی اسرائیل بوسیله داوود و عیسی بن مریم لعنت شدند زیرا از حکم حق سرکشی کرده و به حقوق دیگران تجاوز می نمودند و یکدیگر را از اعمال زشت باز نمی داشتند».

میزان ضرورت هر حرکتی در زمان های مختلف فرق دارد. پیش از تولد انقلاب شکوهمند اسلامی، زمانی که قدرت دین مقدس اسلام، بعنوان یک مکتب ضد استکبار و ظلم روشن نشده بود، هجوم فرهنگی کافران و مستکبران نیز شدت زیادی نداشت بنابراین، ضرورت بکارگیری همه نیرو و توان مسلمانان در مقابل این یورش احساس نمی شد. اما امروزه، دشمن به قدرت اسلام پی برده و بر شدت حملات خود افزوده است بنابراین ما نیز باید توان خویش را بالا ببریم و از همه امکانات، در راه مقابله با آن سود جوییم.

این دستور خدای متعال است که می فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ (۳)؛ و ای مؤمنان برای مبارزه با کافران همه نیروها و توان خود را آماده کنید و در حد امکان، آذوقه، تسلیحات، آلات جنگی و اسبان سواری برای ترساندن دشمنان خودتان و دشمنان خدا فراهم سازید».

در حال حاضر مسئولیت مبلغان مسلمان چندین برابر شده است و اگر خدای نخواستہ در این راه مقدس کوتاهی کنیم و به آن اهمیت ندهیم، فردای قیامت در پیشگاه الهی، مسئول خواهیم بود زیرا هجرت در راه تبلیغ اسلام وظیفه مبلغان است. «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ (۴)؛ چرا از هر فرقه و طائفه ای، گروهی برای کسب آگاهی عمیق از مسایل دینی سفر نمی کنند، تا هنگامی که بسوی مردم برمی گردند، آنان را «به حقایق آشنا و از عذاب روز قیامت بترسانند».

پاداش تبلیغ

تبلیغ به عنوان وسیله ای که پیام خدا را به بندگانش می رساند اهمیت بسیار دارد و اهمیت آن، در اهمیت هدایت است. رسالت انبیای الهی و امامان معصومین، هدایت انسان ها از تاریکی ها به سوی نور بوده است

و اگر انسانی از تاریکی به نور هدایت شود، مثل این است که همه انسان ها زنده شوند. زیرا یک انسان صالح می تواند جامعه انسانی را به صلاح و نور راهبری کند: «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» (۵). آری، هدایت یک انسان به منزله زنده کردن اوست و آیا انسان زنده و مرده برابرند؟ «أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا» (۶)؛ آیا کسی که مرده بود پس او را زنده کردیم و برای او روشنی علم و دیانت قرار دادیم تا با آن روشنی، در بین مردم با سرافرازی حرکت کند مانند کسی است که در تاریکی های «جهل» غرق شده و قادر بر خارج شدن از آن نیست؟»

امام حسن عسگری علیه السلام می فرماید: کسی که جاهلی را راهنمایی کند و شریعت اسلام را به او بیاموزد همراه ما در نزد خداوند خواهد بود. (۷) رسول بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله خطاب به معاذ فرمود: «لئن بهدی الله بک رجلا واحدا خیر لک من الدنیا و ما فیها» (۸)؛ اگر خداوند به دست تو یک نفر را هدایت کند برای تو بهتر است از دنیا و هر آنچه در آن است.»

امام صادق علیه السلام می فرماید: «معلم الخیر تستغفر له دواب الارض و حیتان البحر و کل صغیر و کبیر فی ارض الله و سمائه» (۹)؛ تمام موجودات زمین و ماهیان دریا و هر کوچک و بزرگی در زمین و آسمان خدا، برای تعلیم دهنده خوبی طلب آموزش می کنند. و «راهنمای بر کار خیر، همچون انجام دهنده آن است.» (۱۰)

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «و ادع الناس الی الاسلام و اعلم ان لک بکل من اجابک عتق رقبة من ولد یعقوب» (۱۱)؛ مردم را به اسلام دعوت کن و بدان، در مقابل هر کسی که تو را اجابت کند، ثواب آزادی یک بنده از فرزندان یعقوب برایت نوشته خواهد شد.»

اهمیت کار یک مبلغ آن قدر زیاد است که اگر در این راه مقدس، مخلصانه تلاش کند، قدم در راه رسول خدا صلی الله علیه و آله گذاشته است و جانشین او خواهد بود. زیرا آن بزرگوار فرمود: «رحم الله خلفائی فقیل: یا رسول الله من خلفاؤک؟ قال الذین یحیون سنتی و یعلمونها عباد الله» (۱۲)؛ خداوند جانشینان مرا رحمت کند. از ایشان سؤال شد که آنان چه کسانی هستند؟ فرمود: کسانی که سنت مرا زنده می کنند و آنها به بندگان خدا می آموزند.»

و در جای دیگر در حق آنان به دعا می فرماید: «اللهم ارحم خلفائی «ثلاث مرات» قیل: یا رسول الله و من خلفاؤک؟ قال الذین یاءتون من بعدی و یروون احادیثی و سنتی» (۱۳)؛ پروردگارا جانشینان مرا رحمت کن «سه بار». گفته شد، جانشینان شما چه کسانی هستند؟ فرمود: کسانی که پس از من می آیند و احادیث و سنت مرا روایت می کنند.»

و چه پاداشی از این بالاتر، که مقام او از هزار عابد بیشتر است: «الروایة لحدیثنا یشدد به قلوب شیعتنا اءفضل من اءلف عابد» (۱۴)؛ کسی که احادیث ما را روایت کند و دل های شیعیانمان را بدان محکم سازد از هزار عابد بهتر است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «همانا مردی سخنی می گوید و خداوند بوسیله آن، ایمانی را در قلب دیگری می نویسد بنابراین هم گوینده و هم شنونده هر دو آمرزیده می شوند.» (۱۵)

تمایه

تبلیغ برای اتمام حجت

تبلیغ، اتمام حجتی است به گنهکاران و کافران، تا اینکه بعداً نگویند؛ ما بشارت دهنده و ترساننده ای نداشتیم. خداوند متعال در قرآن می فرماید: «وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ (۱۶)؛ هیچ امتی وجود نداشته، مگر آنکه در میانشان ترساننده و راهنمایی بوده است.» «وَ مَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا (۱۷)؛ ما هیچ کس را عذاب نمی کنیم، مگر اینکه پیامبری فرستاده و احکام الهی را به او رسانده باشیم ولی او به فرمان آن رسول عمل نکرده باشد.» «وَ لَوْ اءْهَلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِنْ قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا

لَوْلَا اءْرَسَلْتَ اِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ اَعْنِ نَزْلٍ وَ نَحْزَى (۱۸)؛ و اگر اینگونه می بود که قبل از فرستاده شدن رسولی، قومی عذاب می شدند، به خدا می گفتند: پروردگارا چرا برای ما پیامبری نفرستادی تا از او پیروی کنیم و دچار چنین خواری و ذلتی نشویم؟»

خداوند خطاب به اهل کتاب نیز بر این نکته تأکید می کند آنجا که می فرماید: «يَا اَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلِيَّ فِتْرَةٍ مِنَ الرَّسْلِ اَنْ تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِنْ بَشِيرٍ وَ لَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَ نَذِيرٌ وَ اللّٰهُ عَلِيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱۹)؛ ای اهل کتاب زمانی که پیامبری وجود نداشت رسول ما آمد تا برای شما حقایق دین را بیان کند، تا نگویند برای ما رسولی که بشارت دهنده و ترساننده از عذاب خدا باشد نیامد، پس آن رسول آمد و خداوند بر هر چیزی تواناست.» «لَيْلًا يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلِيَّ اللّٰهُ حُجَّةً بَعْدَ الرَّسْلِ» (۲۰) و در این صورت است که کافران و بداندیشان اگر دین خدا را نپذیرند و به انذار مبلغان بی توجهی کنند، هیچگونه حجتی نزد خدای متعال نخواهند داشت و بدون تردید در آتش قهر الهی خواهند سوخت.

عنصر مکان در تبلیغ

تبلیغ مسایل دینی و رساندن دستورات الهی به بندگان، در مکان های مناسب تأثیر بیشتری خواهد داشت. مکان هایی همچون «مکه»، که مراسم بزرگ حج در آنجا برگزار می شود، بهترین و مناسبترین مکان ها برای تبلیغ است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ایام حج پیام خدا و دعوت اسلامی خویش را به مردم می رساند. امام صادق علیه السلام «ع» در بیابان عرفات، در میان انبوه حاجیان می ایستاد و رو به چهار طرف خود می کرد و در هر طرف سه بار میفرمود: «ايتها الناس رسول الله كان الامام ثم علي بن ابيطالب ثم الحسن و الحسين ثم علي بن الحسين ثم محمد بن علي ثم هم» (۲۱)؛ ای مردم رهبر شما، پیامبر بود بعد از او، علی بن ابیطالب، سپس حسن و حسین، سپس علی بن الحسین، سپس محمد بن علی و فعلا من هستم.»

امام باقر علیه السلام وصیت فرمود که ده سال در سرزمین «منی» برای او عزاداری کنند و جنایات حکومت ظالم را که بر امام و اهل بیت ایشان وارد شده، بگویند (۲۲). رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار کعبه در حجر اسماعیل می نشستند و آیات قرآن را تلاوت و تبلیغ می کردند. امام حسین علیه السلام قبل از حرکت به کربلا، چند ماه در مکه ماند تا حاجیان بیایند و رسالت خود و جنایات یزید را برای زیارت کنندگان خانه خدا بیان کند تا هر یک از آنان پیام امام را به مردم منطقه خود برسانند و پس از آن به سوی کوفه و کربلا حرکت نمود.

مسجد، مکان مناسب برای تبلیغ است. در طول تاریخ، مسجد و منبر همراه هم بوده اند. امام رضا علیه السلام می فرماید: «من اختلف الى المسجد اصاب احدي الثمان... يسمع كلمة ترده عن ردي... او كلمة تدل علي هدي (۲۳)؛ کسی که به مسجد رفت و آمد کند به یکی از هشت چیز خواهد رسید، یکی آنکه کلمه ای می شنود که او را از پستی باز می دارد یا به هدایت راهنمایی می کند».

حضور در مسجد و یادگیری قرآن و دستوره های آن سبب رحمت خداست. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ما جلس قوم في مسجد من مساجد الله تعالى يتلون كتاب الله و يتدارسونه بينهم الا نزلت عليهم السكينة و غشيتهم الرحمة (۲۴)» هیچ گروهی در مسجدی از مساجد خدا نمی نشینند در حالیکه کتاب خدا را می خوانند و آن را بین خود مورد بررسی قرار می دهند مگر اینکه بر آنان آرامش فرود می آید و آنان را رحمت فرا می گیرد. ملائکه خدا بال های خود را برای متعلمین قرآن در مساجد می گسترانند. «وجود مسجد برای اقامه نماز، یاد خدا و یادگیری دانش است. و هر نشستی در مسجد برای غیر اینها لغو است» (۲۵) پس مکانی مناسب برای رساندن احکام الهی است. امام صادق علیه السلام به یکی از شاگردان ممتازش به نام ابان بن تغلب می فرماید: «جلس في المسجد و ائت الناس (۲۶)؛ در مسجد بنشین و برای مردم فتوا بده».

البته تبلیغ مسایل دینی منحصر به این مکان ها نیست، گرچه زمینه تبلیغ در آنها بیشتر است. صلغ می تواند از مکان های دیگر برای رسیدن به هدف الهی خویش سود جوید. مکان هایی مانند: پادگان ها، جبهه های جنگ، مجالس ترحیم و عزاداری که مجالس ذکر هستند و معمولاً قشرهای مختلف مردم مذهبی و غیر مذهبی، در آن شرکت می کنند. مکان های آموزشی مثل دانشگاه ها، مدارس عالی، دبیرستان ها و بطور کلی هر مکانی که افرادی برای شنیدن سخنان خدا در آن وجود داشته باشد. روشن است که رعایت مسایلی مانند سرما و گرما، نور، وسعت و سکوت محیط، در تبلیغ و تأثیر آن نقش مهمی دارد.

عنصر زمان در تبلیغ

زمان تبلیغ همچون مکان آن، اهمیت دارد و باید به آن توجه نمود. انتخاب زمان مناسب برای تبلیغ، یکی از عوامل مؤثر در موفقیت مبلغ است. او باید زمانی را برای سخن گفتن انتخاب کند که مخاطبین آماده باشند، سخنرانی و گفتن احکام الهی در زمان گرسنگی، تشنگی، خستگی، بی حوصلگی، و هیجان نه تنها مفید نیست، بلکه تأثیرات منفی نیز بر آنان خواهد گذاشت. مبلغ باید سخنانش را در زمانی بگوید که شرایط فراهم باشد و گرنه به نتیجه نخواهد رسید.

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «و مجتنبی الثمره لغیر وقت انبعاثها کالآزاع بغیر ارضه (۲۷)؛ کسی که میوه را قبل از رسیدنش بچیند مانند کسی است که در زمین شخص دیگری کشت کرده است». لذا چون نمی تواند در آن محل بماند و به زراعت و آبیاری آن رسیدگی کند از کشت خود بهره ای نخواهد برد (۲۸).

با نظری به آیات قرآن و دعا های معصومین می توان به نقش زمان در کارها، خصوصاً در برخوردهای تبلیغی پی برد. خداوند متعال قرآن را در شب قدر نازل فرموده است. «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» (۲۹) انتخاب این زمان، برای فرو فرستادن قرآن، بر اهمیت آن می افزاید. زیرا شب «قدر» نیز در بهترین زمان، یعنی ماه مبارک رمضان قرار گرفته است. ماه میهمانی خدا، ماه غفران و آمرزش گناهان و ماهی که در آن به نفس های انسان مؤمن و به خواب او نیز ثواب می دهند.

سه سال پس از بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله این آیه نازل شده است که «فاصدع بما تؤمر و اعرض عن المشرکین» (۳۰)؛ ای رسول ما آنچه را که به آن دستور داده شده ای، با صدای بلند به مردم برسان و

نمایه

از مشرکان، روی بگردان». نزول این آیه پس از سه سال، نشان می دهد که قبل از آن، زمینه و شرایط برای اعلام آشکارای دین خدا و دوری از کافران و مشرکان نبوده است.

در زمانی که کفار قریش از تبلیغ رسول خدا ﷺ جلوگیری می کردند، حضرت از ماه های حرام استفاده کرده، در بازارهایی مثل عکاظ، مخنه و ذی المجاز حاضر می شدند، بر بلندی می ایستادند و مردم را به دین اسلام دعوت می کردند (۳۱). زیرا

بنابر اعتقاد کفار، جنگ و خونریزی در این ماه ها حرام بود و صدمه ای به حضرت نمی رسید.

و نیز، سالیان بعد، یعنی سال نهم هجرت، زمانی که مسلمانان قدرت پیدا کرده بودند، در بزرگترین روز حج «روز عرفه یا عید قربان» که همه مردم در مکه جمع می شوند بعنوان روز «برائت» و روز الغای پیمان های مشرکین انتخاب می شود. «و اذان من الله و رسوله إلى الناس يوم الحج الأكبر أن الله بريء من المشركين و رسوله» (۳۲) چنانکه برای اعلام ولایت و رهبری علی بن ابی طالب ﷺ زمانی مناسب، یعنی هنگام بازگشت حاجیان از مکه انتخاب گردید. «یا ایها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك» (۳۳) زیرا اولاً زمانی غیر عادی بود و همین نکته بر اهمیت مسئله می افزود. ثانیاً آن گردهمایی، بخاطر وجود حاجیانی که از مناطق مختلف آمده بودند، بسیار بزرگ بود و پیام حضرت به انسان های بیشتری می رسید.

حضرت ابراهیم ﷺ برای نفی خدایان باطل و اثبات خدای یگانه از زمان های مختلف استفاده نمود. «فلما جن عليه الليل رأى كوكبا قال هذا ربي فلما أفل قال لا أحب الأفلين» (۳۴)؛ هنگامی که شب تاریک پدیدار شد، ابراهیم، ستاره درخشانی را دید و گفت: این پروردگار من است و پس از آنکه آن ستاره غروب کرد فرمود: من چیزهایی را که از بین می روند دوست ندارم.

همچنین وقتی ماه تابان را دید و یا هنگام صبح با دین خورشید، همان سخنان را تکرار نمود و اینگونه با استفاده از زمان های مناسب و پدیده هایی که در این زمان ها اتفاق می افتاد، توانست ثابت کند که همه چیز به جز خدای یکتا زوال پذیر و نابودشدنی است.

حضرت موسی ﷺ برای نشان دادن معجزه الهی به فرعون و جادوگران او، روز «زینت»، یعنی روز عید قبطیان را انتخاب نمود و به فرعون گفت: «قال موعدهم يوم الزينة و ان يحشر الناس ضحى» (۳۵)؛ وعده ما و شما روز زینت باشد و آنهم به هنگام ظهر که همه مردم برای تماشا بیرون بیایند.

حضرت یوسف ﷺ دوبار تعبیر خواب نمود. یکبار برای دو نفری که با وی زندانی بودند و بار دیگر برای پادشاه مصر. در هر دوبار، زمینه را برای تبلیغ، مناسب دید. اما زمان تبلیغ در هر کدام متفاوت بود. در مورد اول قبل از تعبیر خواب، تبلیغ نمود، زیرا دو زندانی به او روی آورده بودند و به خاطر محبوبیت و اعتمادی که کسب کرده بود و بخاطر نیازی که به یوسف داشتند سخنانش را با جان و دل گوش می دادند. گذشته از این انسان زندانی دلش نرم است و آمادگی شنیدن سخنان تبلیغی را بیشتر دارد.

بنابراین حضرت قبل از تعبیر خواب به آرامی و بطور مفضل از یگانگی خدای متعال تبلیغ نمود و فرمود: «یا

صَاحِبِي السَّخَنِ أَرْيَابُ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ مَا
تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ
اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ
ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۳۶)؛ ای
دو همراه زندانی من، آیا خدایان پراکنده و بدون حقیقت
«مانند بتان و قراعنه» در نظام آفرینش مؤثرترند یا خدای
یگانه و مسلط بر همه عالم؟ «بدانید که» آنچه غیر از
خدا می پرستید اسم هایی بی حقیقت و الفاظی بی
معنی است که خود و پدرانتان ساخته اید و خداوند هیچ
دلیلی برای آن نازل نکرده است، حکم تنها از آن خداست،
فرمان داده که غیر از او را نپرستید، این دین یا برجاست ولی اکثر مردم نمی دانند.»

اما زمانی که وی را نزد شاه بردند، پس از شنیدن خواب، بلافاصله آنرا تعبیر نمود و پس از آن در پی اثبات بی
گناهی خود بر آمد و از نفس اماره سخن گفت. زیرا مخاطب او، شاهی خودسر بود و احتمال داشت حضرت
را طرد کند و خوابش تعبیر نشود که نتیجه اش صدمات فراوان به مردم و قحطی و گرسنگی می شد.
دعا کردن و خواستن چیزی از خداوند، زمان های خاصی دارد. گرچه هر زمانی انسان می تواند خدای خویش
را بخواند، اما این عمل در زمان های مخصوص همچون سحر، شب های جمعه، شب های قدر و هنگام
درگیری لشکر کفر و اسلام به اجابت نزدیکتر است.

هنگامی که فرزندانش یعقوب، پس از بازگشتن از مصر و آوردن خبر سلامتی یوسف، به پای پدر افتادند و به
او گفتند: «يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا» (۳۷)؛ ای پدر از خدا بخواه تا گناهان و خطاهای ما را ببخشد. حضرت
یعقوب عليه السلام فرمود: «سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ» (۳۸)؛ بزودی برای شما از پروردگارم بخشش خواهم خواست.»
آری حضرت یعقوب عليه السلام در همان لحظه نفرمود: خداوند! آنرا ببخش. بلکه این دعا را برای زمانی مناسبتر
یعنی سحر گاهان شب جمعه که برای اجابت دعا و پذیرش توبه بهتر است گذاشت (۳۹).

زکریای پیامبر عليه السلام نیز زمانی از خداوند فرزندی پاک سرشت طلب نمود که خدای بزرگ به حضرت مریم کرامت
نموده و به او رزق آسمانی داده بود او فهمید که زمان رحمت خداست و خدایی که به مریم کرامت نموده که میوه
تایستانی را در زمستان و میوه زمستانی را در تابستان به او می دهد رحمتش شامل حال او نیز خواهد گشته
«هَذَاكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدَّعَاءِ» (۴۰) معجزات پیامبران نیز
هر یک مناسب زمان خود بوده است. زمانی که در شبه جزیره عربستان، به ادبیات بهای زیادی می دادند و
ادیبان و کسانی که فصیح و بلیغ سخن می گفتند، جایگاه و منزلت خاصی در بین مردم داشتند و اشعارشان
را بر دیوار کعبه آویزان می کردند، پیامبر عليه السلام با قرآنی آمدند که از نظر محتوی و فصاحت و بلاغت، هیچ
بشری نتوانست حتی یک آیه مثل آنرا بیاورد.

در زمان حضرت موسی عليه السلام که جادوگران، زیاد مطرح بودند و جادوگری مورد توجه مردم بود، حضرت با
معجزه تبدیل عصا به اژدها از دین خدا تبلیغ کردند.

و در زمان حضرت عیسی عليه السلام که زمان پیشرفت علم پزشکی بود و درمان بیماری ها بسیار اهمیت داشت،
معجزه حضرت، زنده کردن مرده و شفادادن به کور و مرض های بی درمان بود.
و همچنین در زمان حضرت یوسف عليه السلام که تعبیر خواب در بین مردم رواج فراوانی داشت و مورد توجه بود.

حضرت بهترین و راستگوترین تعبیر کننده خواب بودند.

نمونه دیگر از توجه اولیای خدا به نقش زمان در حرکت های تبلیغی، عمل امام حسین علیه السلام است که در ماه ذی الحجه تصمیم به خروج از مکه گرفتند. اعمال حج را نیمه تمام گذاشته، به عمره عدول کردند و پس از طواف خانه خدا و سعی بین صفا و مروه مُحَل شدند و در روز هشتم ذی الحجه، که یکی از روزهای مهم حج است به سوی عراق حرکت کردند (۴۱). انتخاب این روز از این جهت اهمیت دارد که همه جمع می شوند و هیچکس از مکه خارج نمی شود.

با دقت در دعاهایی که از امامان معصوم علیهم السلام رسیده است می توان به اهمیت نقش زمان در تأثیر تبلیغ بیشتر پی برد. در ماه مبارک رمضان، دعاهای افطار، بسیار کوتاه و مختصرند. زیرا زمان، با دعاهای طولانی مناسبت ندارد. شخص مسلمان، ساعتی را روزه دار بوده و اکنون می خواهد با خواندن دعایی کوتاه، مانند: «اللهم لك صمنا و علی رزقک افطرننا و علیک توکلنا فتقبل منا یا امرحم الزاحمین» (۴۲). روزه خود را افطار می کند. اما دعای سحر طولانی است زیرا قبل از اذان صبح، آمادگی بیشتری برای دعا و راز و نیاز با خدای بزرگ وجود دارد.

اگر در تبلیغ مسایل دینی زمان مناسب در نظر گرفته نشود موجب تنفر مردم از دین می شود. شاید شنیده باشید داستان آن شخصی را که در شب زفاف، از عروس، اصول عقایدش را می پرسید و این کار را آنقدر ادامه داد تا اینکه عروس به او گفت: نمی دانم شب اول عروسی است یا شب اول قبر؟! به هر حال «هر سخن جایی و هر نکته مقامی دارد»

حالات روحی مردم در زمان های مختلف فرق می کند و بر خورد خاصی را می طلبد. باید برای زمان های مختلف مانند ماه محرم، ماه مبارک رمضان، ایام حج، ایام شادی و یا عزای مردم، مطالب مناسب ارائه شود زیرا هر سخنی و سفارشی در وقت مناسب خودش تأثیر دارد.

لحظات مرگ، هنگامی که خویشاوندان و نزدیکان انسان گرداگرد او جمعند، بهترین زمان برای سفارش به عدالت و تقوی است، زیرا در این لحظه، اطرافیان شخص، بخاطر نزدیکی مرگ وی متأثرند و از نظر روحی و روانی آمادگی بیشتری برای پذیرفتن سخنان وی دارند.

سؤال حضرت یعقوب علیه السلام از فرزندانش در لحظات قبل از مرگ، در واقع سفارش به بکتاپرستی است. آنجا که از فرزندانش می پرسد. پس از من چه کسی را می پرستید؟ آنان جواب می دهند که خدای تو و پدران ابراهیم و اسماعیل و اسحاق را، که همان خدای واحد است. «أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَ إِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» (۴۳). سفارش به تقوی در زمان خروج مسافر از منزل

نیز نمونه ای از تأثیر زمان در تبلیغ است.

تفقد در زمان فقر و گرفتاری

یکی از روحانیون در منطقه تبلیغی، مریض شد.

پزشکی که درمان او بدستش بود، گفت: به خاطر

خاطره خوشی که از یک روحانی دارم به ایشان کمک

می کنم. او گفت: در کودکی در حالیکه فقیر و بی

سرپرست بودم دچار بیماری لوزتین شده و بستری

بودم. در نیمه های شب در آن حالت درد و ناامیدی،

یک روحانی، به نام آیه الله فیروز آبادی، در بیمارستانی

که خودش مؤسس آن بود به دیدنم آمد. دستی بر

سرم کشید و یک ۲ ریالی به من داد. اکنون سالیان سال از آن واقعه می گذرد اما هنوز طعم شیرینی آن

خاطره را از یاد نبرده ام. آری محبت در زمان فقر و بی کسی، سال ها انسان را اسیر خود می کند.

رسول اکرم ﷺ درباره حضرت خدیجه می فرمود: خدیجه در زمانی از من حمایت کرد که یآوری نداشتم

و کمک های او در آن زمان بسیار سرنوشت ساز بود.

پیشنهادات

۱. آل عمران ، آیه ۱۰۴.
۲. مائده ، آیه ۷۸ ، ۷۹.
۳. انفال ، آیه ۶۰.
۴. توبه ، آیه ۱۲۲.
۵. مائده ، آیه ۳۲.
۶. انعام ، آیه ۱۲۲.
۷. بحار الانوار، چاپ بیروت «مؤسسه التوفاه»، ج ۲، ص ۲.
۸. بحار الانوار، چاپ بیروت «مؤسسه التوفاه»، ج ۱، ص ۱۸۴.
۹. بحار الانوار، چاپ بیروت «مؤسسه التوفاه»، ج ۲، ص ۱۷.
۱۰. وسائل الشیعه، چاپ المکتبه الاسلامیه، ج ۱۱، ص ۳۹۸.
۱۱. همان ، ص ۴۴۸.
۱۲. الحیاه، ج ۲، ص ۲۸۱.
۱۳. همان مشترک.
۱۴. اصول کافی، ج ۱، باب صفه العلیه.
۱۵. وسائل الشیعه، چاپ المکتبه الاسلامیه، ج ۱۱، ص ۵۱۰.
۱۶. فاطر، آیه ۲۴.
۱۷. اسراء ، آیه ۱۵.
۱۸. طه ، آیه ۱۳۴.
۱۹. مائده ، آیه ۱۹.
۲۰. نساء ، آیه ۱۶۵.
۲۱. فروع کافی، ج ۴، ص ۴۶۶.
۲۲. ناسخ التواریخ، ج ۷، ص ۳۲۶ زندگانی امام باقر ع.
۲۳. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۷.
۲۴. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۲.
۲۵. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۷۱.
۲۶. منتهی الامال، ج ۲، ص ۱۶۶، ذکر اصحاب امام صادق ع.
۲۷. الحیاه، ج ۱، ص ۳۱۵.
۲۸. شرح نهج البلاغه خویی، ج ۳، ص ۱۳۹.
۲۹. قدر، آیه ۱.
۳۰. حجر، آیه ۹۴.
۳۱. فروع ابدیت، ج ۱، ص ۳۲۶.
۳۲. توبه ، آیه ۳.
۳۳. مائده ، آیه ۶۷.
۳۴. انعام ، آیه ۷۶.
۳۵. طه ، آیه ۵۹.
۳۶. یوسف ، آیه ۴۰، ۳۹.
۳۷. یوسف ، آیه ۹۸.
۳۸. یوسف ، آیه ۹۷.
۳۹. به نقل از امام صادق ع. مفاتیح الجنان، فضیلت شب و روز جمعه.
۴۰. آل عمران ، آیه ۳۸.
۴۱. منتهی الامال . فصل ششم در بیان توجه به حضرت سیدالشهدا از مکه به سوی کربلا.
۴۲. مفاتیح الجنان، اعمال شبهای ماه رمضان.
۴۳. بقره ، آیه ۱۳۳.